

نقدی بر رویکرد نظام کیفری ایران در قبال جرایم علیه محیط زیست (جغرافیای انسانی) با نگاهی بر کنوانسیون‌های بین‌المللی

محمد حاجی قاسمی اردبیلی

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد سمنان،
دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

علیرضا میلانی^۱

استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۴/۲۴ تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۸/۰۸/۱۷

چکیده

حقوق محیط زیست در عصر حاضر بیش از هر زمان دیگر مورد توجه بین‌المللی قرار گرفته است، در این میان تبیین نقش و جایگاه حقوق محیط زیست در نظام کیفری کشورها از اهمیت زیادی برخوردار است چراکه ضمانت اجرای کیفری مهم‌ترین پاسخ به جرایم زیست محیطی است. رویکرد نظام کیفری ایران نیز در خصوص جرایم زیست محیطی همواره با چالش‌های فراوانی مواجه بوده است و در عصر حاضر نیازمند نقد و اصلاح است. آنچه از بررسی قوانین داخلی مشخص است آن است که قانونگذار کشور ما رویه یکسان و منسجمی در قبال جرایم زیست محیطی اتخاذ نکرده است. از طرف دیگر بطور کلی قوانین کیفری ایران در حوزه محیط زیست از رویکردهای جهانی فاصله دارد و توجه به اسناد بین‌المللی و کنوانسیون‌ها در تدوین قوانین زیست محیطی از اهمیت فراوانی برخوردار است. لذا علاوه بر ایجاد یک رویکرد منسجم و یکپارچه در قوانین کیفری، توجه به اسناد بین‌المللی و همگامی با رویکردهای بین‌المللی نیز باید مورد توجه قانونگذار ایران باشد.

واژگان کلیدی: نظام کیفری، اسناد بین‌المللی، جرایم زیست محیطی، مجازات.

مقدمه

حقوق محیط زیست در نیم قرن گذشته در بعد بین المللی بسیار مورد توجه واقع شده است. از زمانی که بشر در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی دریافت، رشد و توسعه پایدار مستلزم تامین حقوق محیط زیست است و تضمین حقوق بشر در عصر حاضر تنها از طریق حمایت و حفاظت از محیط زیست میسر خواهد بود؛ اسناد بین المللی متعددی از جمله کنوانسیون های بین المللی و منطقه‌ای به این موضوع پرداخته‌اند.

اگرچه منشور حقوق بشر به شکل عجیبی در خصوص حقوق محیط زیست سکوت کرده است اما با تغییر رویکرد های حقوقی به محیط زیست و ورود دغدغه‌های زیست محیطی به حقوق بین الملل و مفاهیم اقتصادی، برفهم انسان از مفهوم توسعه اقتصادی اثر گذار بوده و ایده تحقق رشد اقتصادی به هر قیمتی را به شدت تحت تاثیر قرار داده است لذا دولتها در اسناد متعدد متعهد به حفاظت از محیط زیست گشته‌اند.

در شرایط فعلی که توجه جهانی به حفاظت از محیط زیست جلب شده است سوالات مهمی که مطرح می‌شود آن است که: راهکار های مقابله با جرایم زیست محیطی چیست؟ و چه واکنش هایی می‌تواند از طرف دولتها به جرایم زیست محیطی تاثیر مطلوب در پی داشته باشد؟

علاوه بر انواع پاسخ های اجتماع به تخریب محیط زیست که ممکن است جنبه کنشی یا واکنشی و غیر کیفری داشته باشند، جایگاه واکنش های کیفری و بطور کلی نقش نظام کیفری در حفاظت از محیط زیست از اهمیت زیادی برخوردار است، زیرا واکنش های کیفری به عنوان آخرین راه حل در برخورد با جرایم زیست محیطی مورد توجه قرار می‌گیرند. در این مقاله تلاش شده است تا با تعیین جایگاه محیط زیست در اسناد بین المللی و قوانین داخلی تناسب و تطابق واکنش های کیفری و رویکرد نظام کیفری ایران نسبت به جرایم زیست محیطی (جغرافیایی انسانی) مورد نقد و بررسی قرار گیرد. به همین منظور نخست جایگاه محیط زیست در کنوانسیون های بین المللی به عنوان مهم ترین قالب در بیان خواست جامعه جهانی و همچنین قوانین داخلی مورد بررسی قرار می‌گیرند و سپس واکنش های کیفری در قوانین داخلی نقد و بررسی خواهند شد.

۱- جایگاه محیط زیست در قوانین داخلی و اسناد بین المللی

با توجه به اینکه قوانین هر کشور علی‌الخصوص قانون اساسی و قوانین کیفری، آئینه ارزش ها و آرمانهای هر ملت است و از طرف دیگر، ارزش ها و آرمانهای جهانی برای نوع بشر نیز در انواع اسناد بین المللی همواره منعکس گردیده است لذا برای تحلیل رویکرد نظام کیفری ایران و شناخت رویکرد جامعه جهانی و حقوق بین الملل نسبت به جرایم زیست محیطی؛ در مرحله اول بررسی جایگاه محیط زیست در این اسناد حقوقی ضرورت دارد.

۱-۱- جایگاه محیط زیست در قوانین داخلی

توجه به حقوق محیط زیست به عنوان بارز ترین مصداق نسل سوم حقوق بشر (حجار لیب، لیندا، ۱۳۹۶، حقوق بشر و محیط زیست، ترجمه دکتر رضا امینی، انتشارات سمت، ۱۸۰) منجر به تقسیم حقوق بشر به حقوق بشر خصوصی و حقوق بشر عمومی گردیده (حجار لیب، ۱۳۹۶، ۱۸۱) و برخلاف گذشته به حقوق محیط زیست جنبه عمومی و خصوصی داده است که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد. اما در بعد حقوق داخلی قوانین محیط زیستی

اصولا در میان قوانین مربوط به حقوق عمومی مورد بحث قرار می‌گیرند که قوانین کیفری به عنوان ضامن ارزشهای محیط زیستی جامعه همواره مورد توجه قانونگذار بوده است و لذا نشان دهنده جایگاه این حقوق در دید قانونگذار است. بر همین اساس در این بخش به جایگاه حقوق محیط زیست در مهم ترین قوانین داخلی پرداخته خواهد شد.

۱-۱-۱- جایگاه محیط زیست در قانون اساسی و اسناد بالادستی

قانون اساسی مهمترین منبع اصلی و مستقیم در نظام کیفری ماست. و قانونگذار موسس در زمان انشاء آن به مصادیق حقوق بشر از جمله حفاظت از محیط زیست توجه ویژه داشته است. توضیح آنکه حقوق بشر پس از پایان جنگ جهانی دوم مورد توجه فراوان قرار گرفت و مفاهیم آن گسترش یافت امروزه شاهد وجود سه نسل و سه طیف از مفاهیم حقوق بشری هستیم. ۱. حقوق نسل اول: حقوق مدنی و سیاسی، که ناظر بر حقوق فردی و شخصی افراد است. حقوق نسل دوم: حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که شامل حقوق مربوط به امرار معاش می‌شود. حقوق نسل سوم: حقوق جمعی و گروهی، که حقوق مربوط به صلح و حفاظت از محیط زیست را دربرمی‌گیرد. بنظر می‌رسد که حقوق محیط زیست بطور خاص و مشخص در زمره نسل سوم حقوق بشر باشد. پرداختن به موضوع محیط زیست در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز از جمله اقدامات قابل توجه قانونگذار موسس به حساب می‌آید که در کنار مباحث مهم اعتقادی و سیاسی و حقوقی، از نظر نمایندگان «مجلس بررسی نهایی قانون اساسی» به دور نمانده است (صالحی عارف، ۱۳۹۶، ۲۳).

مهم ترین دستاورد توجه به نسل سوم حقوق بشر در قانون اساسی ایران، اصل ۵۰ قانون اساسی است که بیان می‌دارد: «در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسلهای بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیتهای اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.» (مستجاب الدعواتی، سلیمانی، ۱۳۸۷، ۳۰).

مخاطب این اصل همزمان هم آحاد مردم و هم قوای سه گانه است. لذا در این اصل ابتدا به وظیفه عمومی بودن حفظ محیط زیست اشاره شده و در ادامه به ممنوع بودن فعالیتهای مضر پرداخته شده است که بیانگر وظیفه قوای سه گانه در تدوین قوانین لازم و اجرای آن و برخورد با ناقضان آن است. در مورد ماهیت حکم مندرج در این اصل، دو نکته را میتوان استخراج نمود: اول اینکه حفاظت از محیط زیست، آلوده نکردن و حفظ آن از تخریب، یک حق بشری است. دوم اینکه این تکالیف و اقدامات از ملازمات دستیابی به توسعه پایدار است. نهایتا شاید بتوان قائل به این شد که محافظت از محیط زیست یک تکلیف شرعی است در مقابل شارع؛ و فارغ از سودمندی این اقدامات برای زندگی حال یا آینده بشر، این تکلیفی است که شارع بر عهده انسان گذاشته است که حق مخلوقات او را در طبیعت حفظ کرده و آنها را ادا نماید (صالحی عارف، ۱۳۹۶، ۸).

درخصوص عبارت «وظیفه عمومی» لازم به ذکر است که اگرچه به طور کلی وظیفه حفاظت از محیط زیست برعهده سازمان حفاظت از محیط زیست و ضابطان خاص دادگستری در این خصوص است اما این موضوع نافی نقش

^۱ این تقسیم از طرف آقای «کارل واساک» حقوقدان و قاضی اهل کشور چک در ۱۹۷۹ ارائه شده است. برای مطالعه بیشتر ر.ک: مولایی، یوسف، (۱۳۸۶) نسل سوم حقوق بشر و حق به محیط زیست سالم، تهران، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۴،

دیگران در این زمینه نیست بر همین اساس در ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی مصوب ۱۳۹۲ به سازمانهای مردم نهاد اجازه اعلام جرم و همچنین اعتراض به آراء مربوط به محیط زیست داده شده بود که در اصلاحیه صورت گرفته در سال ۱۳۹۴ حق اعتراض به آراء از آنان سلب گردید که این موضوع قابل نقد است. از طرف دیگر همانطور که اشاره شد، اصل ۵۰ علاوه بر بیان تکلیف، حق بر محیط زیست را هم برای همه مردم تضمین نموده است. این درحالی است که در قوانین و رویه قضایی محلی برای مطالبه و استیفای این حق از طرف مردم عادی وجود ندارد.

یکی دیگر از اصول مهم قانون اساسی که ارتباط مستقیم با محیط زیست و آبادانی آن دارد اصل ۴۵ قانون اساسی است. این اصل بیان می‌دارد: انفال و ثروتهای عمومی از قبیل زمینهای موات یا رها شده، معادن، دریاها، دریاچه، رودخانه‌ها و سایر آبهای عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگلها، نزارها، بیشه‌های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث، و اموال مجهول المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می‌شود در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل نماید. تفصیل و ترتیب استفاده از هر یک را قانون معین می‌کند. (معصومی، لطفی، ۱۳۸۶، ۵۱-۸۳).

عمده انفال و ثروت‌های عمومی مذکور در این اصل منابع طبیعی و محیط زیست است که در استفاده و بهره‌برداری از آن باید مفاد اصل ۵۰ قانون اساسی رعایت گردد. البته مفهوم و مصادیق انفال و کیفیت تصرف در آن جای بحث فراوان دارد که پرداختن به آن از موضوع این مقاله خارج است. اما اشاره به زمین‌های موات در این اصل جای نقد دارد زیرا همانطور که در گفتار اول در بیان وظایف بشر نسبت به محیط زیست بیان شد، آبادانی محیط زمین از جمله وظایف انسان است. بر همین اساس احیاء زمین‌های موات در فقه از اسباب تملک دانسته شده است. اما ذکر این نوع اراضی در این اصل که آنها را در زمره ثروت‌های عمومی قلمداد کرده و حق مالکیت یا تصرف در آنها را از مردم سلب نموده است چندان موافق با قواعد فقهی نمیباشد. سلب این حق از مردم با عنایت به اینکه دولت به تنهایی توانایی، بودجه و منابع کافی برای آبادانی همه اراضی موات را ندارد چندان قابل پذیرش نیست (اصلی پور، شریف زاده، ۱۳۹۴، ۲۴۵-۲۷۲)، البته شاید از باب رعایت مصلحت بالاتری که حفظ نظم عمومی است چنین مطلبی بیان شده است.

از جمله قوانین راهبردی و بالادستی که در کنار قانون اساسی در تدوین قوانین عادی مورد توجه قانونگذار قرار دارد سند بیست ساله توسعه ایران است که توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام تدوین و از طرف رهبری امضاء و در سال ۱۳۸۲ ابلاغ گردیده است. در بخش ابتدایی این سند چنین می‌خوانیم: «جامعه‌ی ایرانی در افق این چشم‌انداز چنین ویژگی‌هایی خواهد داشت:... برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصتهای برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده به دور از فقر، فساد، تبعیض و بهره‌مند از محیط زیست مطلوب.» همچنین در سند سیاست‌های کلی نظام در سند چشم‌انداز بیست ساله به توسعه علوم و فناوری‌های زیست محیطی و همچنین توسعه پایدار کشور با تکیه در حفاظت از محیط زیست و استفاده صحیح از منابع تاکید ویژه‌ای شده است (مبینی دهکردی، مرادی قاسم آبادی، ۱۳۸۹، ۱۵-۴۴).

علاوه بر این سند باید به سند سیاست‌های کلی نظام ابلاغی مقام معظم رهبری در سال ۱۳۷۹ اشاره کرد که در بخش سیاست‌های کلی منابع طبیعی به این موارد اشاره شده است:

۱- ایجاد عزم ملی بر احیاء منابع طبیعی تجدیدشونده و توسعه پوشش گیاهی برای حفاظت و افزایش بهره‌وری مناسب و سرعت بخشیدن به روند تولید این منابع و ارتقاء بخشیدن به فرهنگ عمومی و جلب مشارکت مردم در این زمینه.

۲- شناسایی و حفاظت منابع آب و خاک و ذخایر ژنتیکی گیاهی- جانوری و بالابردن غنای حیاتی خاکها و بهره‌برداری بهینه براساس استعداد منابع و حمایت مؤثر از سرمایه‌گذاری در آن.

۳- اصلاح نظام بهره‌برداری از منابع طبیعی و مهار عوامل ناپایداری این منابع و تلاش برای حفظ و توسعه آن.

۴- گسترش تحقیقات کاربردی و فناوریهای زیست محیطی و ژنتیکی و اصلاح گونه‌های گیاهی و حیوانی متناسب با شرایط محیطی ایران و ایجاد پایگاه‌های اطلاعاتی و تقویت آموزش و نظام اطلاع‌رسانی»

همچنین در سیاست‌های کلی محیط زیست نیز اشاره به حقوق و عدالت بین نسلی شده است. بند سوم سیاست‌های کلی محیط زیست ابلاغ شده توسط مقام معظم رهبری در سال ۱۳۹۴ مقرر میدارد: «اصلاح شرایط زیستی به منظور برخوردار ساختن جامعه از محیط زیست سالم و رعایت عدالت و حقوق بین نسلی».

۱-۱-۲- جایگاه محیط زیست در قوانین عادی

از جمله خصوصیات قوانین مربوط به محیط زیست کثرت مفاهیم مربوط به محیط زیست و طبعا تورم قوانین است. با وجود تعدد قوانین این حوزه، در این نگارندگان مهم‌ترین قوانین مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهند. هدف از این کار همانطور که اشاره شد تعیین جایگاه محیط زیست در قوانین و تشریح حقوق و تکالیف افراد است.

آنچه که در قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام در خصوص محیط زیست بعنوان بالاترین منبع اصلی حقوق کیفری ذکر شده است در قوانین عادی و مصوبات نهادهای مربوط به حوزه محیط زیست که از منابع بعدی حقوق کیفری بشمار می‌روند نیز تجلی یافته و محمل اجرای افق‌های پیش‌بینی شده در قانون اساسی و اسناد راهبردی را می‌توان در قوانین عادی جستجو نمود. به لحاظ عملی این قوانین عادی هستند که اثر مستقیم بر محیط زیست خواهند داشت. یعنی هرچقدر حقوق و تکالیف افراد ملت و جایگاه محیط زیست در سیاست‌های کلی حکومت در قانون اساسی و قوانین مادر، جنبه نمادین دارد در قوانین عادی جنبی عملی به خود می‌گیرد و بروز و ظهور حقیقی می‌یابد. از مهم‌ترین قوانین در زمینه محیط زیست «قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳ با اصلاحات (۱۳۷۱)» است. ۱

ماده ۹ قانون مذکور آلوده کردن محیط زیست به هر شکلی را ممنوع اعلام نموده است اما متأسفانه در این قانون ضمانت اجرای کیفری در برخورد با آلوده کنندگان محیط زیست پیش‌بینی نشده و ماده ۱۰ آن قانون کیفیت برخورد با این موضوع را به آیین نامه اجرایی این قانون ارجاع نموده است. البته در آیین نامه مذکور کیفیت برخورد با مجرمین محیط زیستی ذکر نشده است اما در فصل دوم آن از مواد ۷ الی ۱۲ مصادیق اعمال ممنوعه در پارک‌های ملی حفاظت شده بیان گردیده است. این درحالی است که ضمانت اجرای ممنوعیت‌های عنوان شده مشخص نیست.

^۱ بر اساس این قانون شورایی تحت عنوان شورای عالی محیط زیست با ریاست رئیس‌جمهور عالی‌ترین مرجع سیاست‌گذاری در حوزه محیط زیست است و سازمان حفاظت از محیط زیست به عنوان متولی و مجری قوانین زیست محیطی زیر نظر این شورا فعالیت می‌کند.

یکی دیگر از قوانین بسیار مهم با موضوع محیط زیست «قانون شکار و صید مصوب ۱۳۲۶ با اصلاحات ۱۳۵۳ و ۱۳۷۵» است. این قانون شامل برخی ضمانت اجراهای کیفری نیز می‌باشد و از مواد ۱۰ الی ۱۳ برای شکار و صید غیر مجاز و بدون پروانه و یا درمحل غیرمجاز و یا حیوانات درحال انقراض گردند مجازات حبس و جزای نقدی پیش بینی نموده است.

برابر ماده ۱۰ پروانه مجوزی است که به شکارچیان و صیادان این امکان را می‌دهد تا به شکار و صید بپردازند

۱.

از سوی دیگر مطابق بند ۴ قانونگذار از بین بردن گیاهان و هرگونه رستنی در مناطق حفاظت شده و پناهگاه‌های حیات وحش و تخریب در مناطق یاد شده را از مصادیق شکار و صید بدون مجوز تلقی می‌شود. این موضوع عنایت خاص قانونگذار به رابطه نزدیک میان حیوانات وحشی و زیستگاه آنها است. با استفاده از واژه «رستنی‌ها» تلاش شده است دامنه شمول این بند گسترده تر شود. نکته مهم دیگر اینکه، قانونگذار به موضوع اکتفا نکرده و در انتهای این بند، اقدام به بیان مصادیق از بین بردن گیاهان کرده است. بیان مصادیق در این ماده از باب تمثیل بوده هر نوع اقدام دیگری که باعث تجاوز و تخریب در مناطق خاص مذکور در ماده شود را در بر خواهد گرفت (حشمتی، ۱۳۹۶، ۱۶۹-۱۸۱).

علاوه بر این قوانین خاص، قانون مجازات اسلامی به عنوان کد کیفری جمهوری اسلامی ایران نقش بسیار پر رنگ و مهمی در جرم انگاری و برخورد با جرایم زیست محیطی دارد اما از بررسی مواد مربوط به محیط زیست (مواد ۶۷۹ به قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب ۱۳۷۵) به بعد شاهد خلاهای قانونی شگرفی در این زمینه هستیم. بخشی از ماده ۶۷۹ قانون مجازات اسلامی ناظر بر حمایت از حق مالکیت افراد است اما در قسمت دوم شاهد حمایت از یکی از مقوله‌های محیط زیست هستیم. البته استفاده از واژه کشتن در ماده این سوال را در ذهن ایجاد می‌نماید که آیا منظور قانونگذار شکار و صید بوده است یا خیر؟ اما با توجه به ماده ۶۸۰ که مطلقاً در

۱- اما اخذ پروانه به تنهایی کافی نیست، بلکه باید محدودیتهای مندرج در پروانه شکار نیز رعایت شوند در غیر اینصورت عمل عنوان مجرمانه خواهد داشت. از سوی دیگر علاوه بر ضرورت اخذ پروانه شکار و صید جانوران، اقدام به حمل، عرضه، فروش و صدور این گونه‌ها نیز نیاز مند داشتن مجوز است. برای مطالعه بیشتر ر.ک: خالقی، ابوالفتح، (۱۳۸۹)، تحلیل تدابیر کیفری ملی در حفاظت از گونه‌های جانوری با تاملی بر اسناد فراملی، تهران، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، شماره ۴، صص ۱۵۵-۱۷۲. در ارتباط با موضوع مهم خرید و فروش، حمل، نگهداری و صدور جانوران وحشی، قانونگذار در آیین نامه اجرایی قانون شکار و صید در ماده ۳۱ بیان میدارد: «خرید و فروش - عرضه و نگهداری و حمل و صدور کلیه جانوران وحشی زنده و کشته و اجزاء آنها بدون تحصیل پروانه از سازمان حفاظت محیط زیست ممنوع است به استثنای آنچه از طرف شورای عالی حفاظت محیط زیست مجاز اعلام شده باشد.» در ماده مذکور قانونگذار در خصوص بومی یا غیر بومی بودن جانوران وحشی صراحتی ندارد، اما در ماده ۷ قانون شکار صید به صراحتاً به غیر بومی بودن حیوانات وحشی اشاره شده است. مساله ای که در قانون و آیین نامه به آن تاکید شده است، لزوم اخذ مجوز شکار از سازمان حفاظت محیط زیست است. اما در خصوص ورود و صادرات حیوانات وحشی که نامشان در لیست کنوانسیون سایتس ثبت شده است، مقررات کنوانسیون مذکور لازم باید رعایت شود. البته رعایت مقررات کنوانسیون در جهت انجام تعهداتی است که کشورهای عضو پذیرفته اند. برای مطالعه بیشتر رک رضوانی قوام آبادی، محمد حسین، (۱۳۸۸)، حمایت کیفری از گونه‌های جانوری در ایران، تهران، مجله علوم محیطی دانشگاه شهید بهشتی، شماره دوم، صص ۷۷-۹۴.

خصوص شکار و صید می‌باشد به نظر می‌رسد مجرم در کشتن و تلف کردن حیوانات مذکور در ماده ۶۷۹، باید فاقد قصد شکار باشد زیرا در غیر این صورت موضوع مشمول ماده ۶۸۰ خواهد شد.

۱-۲- جایگاه محیط زیست در کنوانسیون های بین المللی

مفهوم محیط زیست و جایگاه حقوق محیط زیست در حقوق بین الملل خصوصا از نیمه دوم صده بیستم به بعد عموماً از مجرای مفهوم (توسعه پایدار) مورد توجه قرار گرفته است. توسعه پایدار به عنوان یکی از آرمانها و اهداف نوع بشر و همچنین به عنوان یکی از مصادیق مهم حقوق بشر، در اسناد بین المللی از جنبه‌های مختلف مورد تاکید قرار گرفته است و لذا بسیاری از اسناد بین المللی که با موضوع محیط زیست تنظیم گردیده‌اند در نهایت هدفی جز تامین توسعه پایدار ندارند. البته باید توجه داشت که ورود دغدغه‌های زیست محیطی به مسائل اقتصادی و توسعه‌ای منجر به تغییر رویکرد و مفاهیم مرتبط از جمله (رشد اقتصادی و توسعه) گردیده است. در ادامه به جایگاه محیط زیست در برخی از مهم ترین کنوانسیون های بین المللی پرداخته خواهد شد.

۱-۲-۱- کنفرانس استکهلم

اصول اعلامیه استکهلم در کنفرانس ملل متحد راجع به محیط زیست ۱۶ ژوئن ۱۹۷۲ با توجه به نفع مشترک جامعه بشری در حفاظت از محیط زیست و سایر تهدیدهای وارده به کره زمین، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۶۸ تصمیم به برگزاری یک کنفرانس محیط زیست گرفت و سرانجام در ژوئن، ۱۹۷۲ این کنفرانس با حضور ۱۲۰۰ نفر نماینده از کشورهای جهان در استکهلم (سوئد) برگزار گردید و متعاقب این کنفرانس، که مجمع عمومی سازمان ملل متحد مبادرت به ایجاد برنامه محیط زیست ملل متحد، نمود در اعلامیه ای حاوی بیست و شش اصل در مورد حفاظت و توسعه محیط زیست جهانی توسط ۱۱۳ کشور، پذیرفته شد (رضایی، جلالیان، ۱۳۹۶، ۸۴-۸۷).

مطابق با اصل بیست و یکم: کشورها همانگونه که بر مبنای منشور ملل متحد و اصول حقوق بینالملل و طبق سیاستهای محیط زیست خود دارای حق حاکمیت برای بهره‌برداری از منابع خود میباشند، مسئولند اطمینان حاصل نمایند که فعالیت‌هایشان در حیطه صلاحیت یا کنترلشان به محیط زیست سایر کشورها یا مناطق واری حدود صلاحیت ملی آنان، صدمه ای وارد نماید. در این اعلامیه آمده:

اصل بیست و دوم: کشورها بایستی برای توسعه بیشتر حقوق بین الملل به منظور تعیین مسئولیت و جبران خسارت برای زیان دیدگان از آلودگی و سایر خسارات زیست محیطی که توسط اقداماتی که در حیطه صلاحیت یا کنترل چنین کشورهایی علیه مناطق واری صلاحیتشان ایجاد میگردد، همکاری نمایند.

اصل بیست و چهارم: مسائل بینالمللی مربوط به حفاظت و اصلاح محیط زیست بایستی توسط کلیه کشورها اعم از بزرگ و کوچک بر مبنای تساوی و روح تشریک مساعی اداره گردد.

اصل بیست و پنجم: کشورها بایستی اطمینان حاصل نمایند که سازمانهای بینالمللی برای حفاظت و اصلاح محیط زیست نقشی فعال، کارآمد و هماهنگ کننده، ایفاء می نمایند.

این اصول برای جلوگیری از ایجاد صدمات زیست محیطی به سایر کشورها و وظایف مثبتی را برای کشورها تعیین مینماید و آنها را برای همکاری جهت توسعه حقوق بینالملل حفاظت محیط زیست از طرق ملی و بین المللی دعوت می نماید.

جامعه اقتصادی اروپا سه برنامه عملی و سیاست مربوط به محیط زیست را آغاز نموده است که اولین سیاست زیست محیطی جامعه در نوامبر ۱۹۷۳ اتخاذ گردیده است و سومین برنامه عملی برای سال‌های ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۶ در سال ۱۹۸۱ تصویب شده است. این برنامه نه تنها حفاظت از سلامتی انسان و محیط زیست بلکه، مدیریت صحیح منابع طبیعی که با ملاحظات کیفی در برنامه ریزی و سازماندهی توسعه اقتصادی و اجتماعی انجام گردیده است را در نظر داشت.

۱-۲-۲- کنوانسیون رامسر:

کنوانسیون مربوط به تالاب‌های مهم بین المللی به ویژه تالاب‌های زیستگاه پرندگان آبی (کنوانسیون تالاب‌ها) معروف به کنوانسیون رامسر در سال ۱۳۵۲ در شهر رامسر ایران با حضور ۱۸ کشور جهان مورد تصویب قرار گرفت. این کنوانسیون نخستین معاهده نوین جهانی بین الدولی پیرامون حفاظت و بهره‌برداری منطقی از منابع طبیعی است و هم اکنون ۱۳۴ عضو رسمی را در سراسر دنیا شامل می‌شود. کنوانسیون رامسر معاهده‌ای بین المللی است که در سال ۱۹۷۱ به منظور حفظ و نگهداری از تالابها تهیه و توسط بعضی از کشورها امضاء شده است. در این کنوانسیون فهرستی از تالابهای مهم جهان نیز تهیه شده که به «فهرست رامسر» شهرت دارد. در این فهرست بریتانیا با ۱۶۴ تالاب از لحاظ تعداد و کانادا با ۱۳۲ هزار کیلومتر مربع تالاب، از لحاظ وسعت رکورد دار است. از سال ۱۹۶۲ ایده‌ای مبنی بر ایجاد معاهده بین المللی برای حفاظت از تالابها شکل گرفت. اما عملاً ۸ سال طول کشید تا چنین ایده روشنفکرانه‌ای تحقق یابد و تا سال ۱۹۷۱ چندین نشست هماندیشی بین دست‌اندرکاران و مسوولان محیط زیست برخی کشورهای جهان برگزار شد تا اینکه سرانجام در سال (۱۳۴۹ش) با تلاش اسکندر فیروز، رئیس سابق سازمان محیط زیست ایران، این امر تحقق یافت.

این کنوانسیون مشتمل بر یک مقدمه و دوازده ماده است. در این کنوانسیون فهرستی از تالابهای مهم جهان نیز تهیه شد که در این فهرست بریتانیا با ۱۶۴ تالاب از لحاظ تعداد و کانادا با ۱۳۲ هزار کیلومتر مربع تالاب، از لحاظ وسعت رکورددار است. طرفهای معاهده در این کنوانسیون موظفند که تالابهای حائز اهمیت سرزمین خود را تعیین نمایند، نقشه‌های اصلاحی تالابها را به نحوی تنظیم و اجرا کنند که حفظ و حراست و بهره‌برداری صحیح از آنها را در سرزمین خود تسهیل نمایند، با اعمال مدیریت صحیح کوشش کنند تعداد پرندگان آبی در تالابهای مربوطه را افزایش دهند، تسهیلات لازم برای حفاظت تالابها و پرندگان آبی در منطقه تالابها فراهم کنند. نماینده و سازمان مرجع کنوانسیون رامسر در ایران، سازمان محیط زیست است که مسؤولیت نظارت و اجرای آن را برعهده دارد. سازمان محیط زیست نیز برای پیشرفت کار، کمیته‌ای با نام کمیته ملی کنوانسیون رامسر با حضور نماینده‌های وزارت علوم، وزارت نفت، وزارت امور خارجه، وزارت جهاد کشاورزی،... و دو نماینده از سازمانهای غیر دولتی تشکیل داده است که برترین گروه‌های تصمیم‌گیرنده در این رابطه هستند. در این کنوانسیون آمده که طرفهای متعاقد با علم به همبستگی انسان با محیط زیست خود با توجه به فعل و انفعالات اساسی اکولوژیک تالابها به عنوان تنظیم کننده

رژیم آبها و به عنوان محل رشد نباتات بومی وزیستگاه حیوانات مخصوص باین مناطق بالاخص پرندگان آبی با اعتقاد به اینکه تالابها از نظر اقتصادی و فرهنگی و علمی و تفریحی منبع پرارزشی است که انهدام آنها جبران ناپذیر است، با تمایل به جلوگیری از تجاوز تدریجی به این تالابها و انهدام آنها در زمان حاضر و در آینده با علم به اینکه پرندگان آبی طی مهاجرت‌های فصلی ممکن است از مرز کشورها عبور نمایند و بدین لحاظ باید بعنوان یک منبع بین المللی تلقی گردند، با اطمینان به اینکه حفظ و حراست تالابها و نباتات و حیوانات آن ممکن است با توام نمودن سیاست‌های ملی واقع بینانه با اقدامات بین المللی هم آهنگ گردد، نسبت به مقررات توافق نمودند(سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۰، ۱۷۹-۱۸۰).

۱-۲-۳- کنوانسیون سائیس

سائیس (کنوانسیون منع تجارت گونه‌های گیاهی و جانوری در معرض خطر انقراض) در سال ۱۹۷۳ برای برخی از گونه‌های در خطر انقراض در برابر بهره‌برداری بی‌رویه از طریق کنترل و برقراری محدودیت‌هایی در تجارت (صادرات و واردات) آن‌ها در واشنگتن به تصویب رسید که دارای یک مقدمه، ۲۵ ماده و ۳ ضمیمه می‌باشد و هم اکنون ۱۶۰ کشور را به عنوان عضو رسمی دارد.

این کنوانسیون یکی از مهم‌ترین کنوانسیون‌های بین المللی محیط زیست در راستای حفظ تنوع زیستی جانوران و گیاهان می‌باشد. کشور جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۵۵ به عضویت این کنوانسیون درآمد و مرجع ملی آن سازمان حفاظت محیط زیست می‌باشد. کنترل ورود و خروج گونه‌ها و وضعیت آنها، اطمینان از استفاده از گونه‌ها به مقاصد انسانی، صدور تأییدیه، پیشنهاد برای انضمام یا خروج گونه‌ها از ضمام، شرکت فعال در کمیته‌ها و پرداخت حق عضویت از تعهدات کشورها می‌باشد(دبیری، آزادبخت، ۱۳۸۹، ۵۹-۶۲).

۱-۲-۴- کنوانسیون CEP:

با توجه به اهمیت زیست بوم دریای خزر و شرایط نامطلوب حاکم بر آن، کشورهای ساحلی این دریا با همکاری برنامه محیط زیست سازمان ملل UNEP اقداماتی را برای برقراری یک چارچوب مناسب حقوقی- قانونی جهت حفاظت از این دریا آغاز کردند. براساس مفاد این کنوانسیون، کشورهای ساحلی منطقه‌یی برای حفظ محیط زیست دریای خزر در زمینه جلوگیری، کاهش و کنترل آلودگی، جلوگیری از ورود، کنترل و از بین بردن گونه‌های مهاجم، موارد اضطراری زیست محیطی، حفاظت و نگهداری و احیا و منابع زنده دریایی و مدیریت مناطق ساحلی دریای خزر همکاری خواهند کرد (پورکاظمی، ۱۳۸۷، ۱۱).

۱-۲-۵- کنوانسیون منطقه‌ای کویت:

کنوانسیون منطقه‌یی کویت برای همکاری درباره حمایت و توسعه محیط زیست دریایی و نواحی ساحلی خلیج فارس، دریای عمان و قسمتی از دریای عرب در برابر آلودگی شکل گرفت. این یک کنوانسیون منطقه‌یی بین دولت‌های بحرین، ایران، عراق، کویت، عمان، قطر، عربستان و امارات متحده عربی است. آلودگی محیط زیست دریایی منطقه مشترک بین کشورهای مذکور توسط نفت یا سایر مواد مضر یا سمی ناشی از فعالیت‌های انسان در خشکی و یا در دریا(دارابی نیا، نجفی اسفاد، ۱۳۹۲، ۷۱-۷۳).

۱-۲-۶- کنوانسیون تنوع زیستی:

کنوانسیون تنوع زیستی CBD، بخشی از روند کنفرانس سازمان ملل متحد در خصوص محیط زیست و توسعه به شمار می‌رود. این معاهده در سال ۱۹۹۲ در ریودوژانیرو امضا و در سال ۱۹۹۳ الزم الاجرا شد و هم اکنون ۱۸۴ عضو دارد. این کنوانسیون بر مبنای سه هدف اصلی حفاظت از تنوع زیستی، بالبردن ظرفیت کاربرد پایدار آن و سهم شدن عادلانه در منافع حاصل از استفاده ذخایر ژنتیکی تشکیل شد. ایران در خرداد ۱۳۷۵ به طور رسمی به این کنوانسیون پیوست و نسبت به تعیین راهبردها و برنامه اقدام ملی در خصوص حفاظت از تنوع زیستی که جزء یکی از الزامات ناشی از پیوستن به این پیمان بود، اقدام کرد (کرم زاده، ۱۳۸۲، ۲۳۶-۲۳۹).

۱-۲-۷- کنوانسیون جلوگیری از آلودگی دریایی:

مواد این کنوانسیون در سال ۱۹۷۲ در شهر لندن به امضای نمایندگان تعدادی از کشورها رسید و دولت ایران در سال ۱۳۷۵ اشمسی با تصویب مجلس به آن پیوست. هدف از تصویب این کنوانسیون، کنترل و جلوگیری از آلودگی دریایی ناشی از تخلیه و دفع مواد زائد و تشویق و حمایت از انعقاد قراردادها و توافقنامه‌های منطقه‌ای مکمل این کنوانسیون است (معاونت توسعه مدیریت و امور مجلس، ۱۳۸۵، ۱-۲).

۱-۲-۸- کنوانسیون تنوع گونه‌های گیاهی - جانوری:

این کنوانسیون را نیز ۱۵۵ کشور امضا کردند و در ۲۹ دسامبر ۱۹۹۲ در ریودوژانیرو به تصویب رسید و ۱۹۹۳ لازم الاجرا گردید. هدف این کنوانسیون مقدماتی حفظ تنوع زیست شناختی کره زمین است. این امر با حفاظت از گونه‌های گیاهی - جانوری، اکو سیستم‌ها، منابع و همچنین کنترل استفاده از منابع ژنتیک و تجهیزات زیست شناختی صورت می‌پذیرد. کشورهای امضا کننده موظف شدند تنوع گونه‌های گیاهی - جانوری را حفظ نموده، گزارش‌های منظمی در این زمینه ارائه دهند که این گزارش‌ها نیز به صورت بین‌المللی مورد بررسی قرار می‌گیرد اصول تبیین قلمروشان بسیار جنجال برانگیز، مبهم و مشروط بود این اصول، حقوقی را برای کشورها تعیین نموده بود، اما به این شرط که نتایج حاصل از این منابع میان کشورها به صورت عادلانه و مساوی تقسیم شود. اصول جنگلداری: پس از آنکه کشورهای غربی موفق به ایجاد کنوانسیون جنگلداری نشدند به این اصول تن در دادند. این اصول برای مدیریت و حفاظت منابع جنگلی وضع شده‌اند و در عین حال نحوه استفاده کشورها از جنگل‌هایشان را حق مسلم آنها می‌دانند (مومنی راد و همکاران، ۱۳۹۲، ۲۴۲-۲۴۳).

۲- سیاست کیفری ایران نسبت به جرایم زیست محیطی

برای تحلیل رویکرد نظام کیفری ایران نسبت به جرایم زیست محیطی، بررسی انواع واکنش‌های کیفری و مجازات‌های پیش‌بینی شده در قبال این جرایم ضرورت دارد. از این رو در این قسمت به بررسی انواع مجازات‌های موجود در زرادخانه کیفری نظام حقوقی ایران پرداخته خواهد شد.

۲-۱- انواع مجازات‌های زیست محیطی در حقوق ایران

تاریخچه مجازات‌ها و اقسام گوناگون آن در تاریخ حقوق جزا، سرگذشتی طولانی و پرفراز و نشیب دارد. در گذشته

انواع مجازات‌های خشن و غیرانسانی متداول بوده و به شکلی بی‌رحمانه و غیرعادلانه، مجرمین تحت مجازات و شکنجه‌های شدید و غیرقابل تحمل قرار می‌گرفتند.

به تدریج و با تحولات حقوق جزا و تلاش‌های پیگیر حقوقدانان و ارائه افکار نوین و انسان دوستانه و همراه با عدالت، سیستم مجازات‌ها مورد اصلاح و تکامل قرار گرفته و مجازات‌های خشن و غیرعادلانه جای خود را به مجازات‌های ملایم و عادلانه و متناسب با جرم داد. اصل قانونی بودن مجازات‌ها و نیز فردی کردن آن از تحولات مهم در سیستم مجازات‌ها به شمار می‌رود.

با توجه به اعتقادات و باورهای دینی و فرهنگی هر یک از جوامع، مجازات‌ها اشکال و اقسام خاص خود را داشته و دارد. در این میان نوع و اهمیت جرائم از دیدگاه هر یک از جوامع، از دیگر فاکتورهای مهم تعیین‌کننده نوع و شدت مجازات‌ها می‌باشد. در سیستم کیفری ایران باستان، مجازات‌های اعدام، حبس، تبعید و شلاق متداول بوده است. (نوربها ۱۳۶۹، ۸۹) امروزه مجموعاً در جهان مجازات‌های گوناگونی از قبیل اعدام، حبس، شلاق، قصاص، قطع عضو، جریمه و جزای نقدی، تبعید، مصادره اموال، تعطیلی مؤسسه، لغو یا ضبط پروانه و... مورد استفاده قرار می‌گیرد. هدف از اعمال مجازات‌ها، پیشگیری از وقوع جرم، مجازات مرتکب و ارباب دیگران می‌باشد که در جمهوری اسلامی ایران اجرای این مهم به عهده قوه قضاییه است (باقری زرین قبابی، ۱۳۹۲، ۱۸-۱۷).

۲-۱-۱- حبس

هدف‌های پیچیده و گاه آشتی‌ناپذیر کیفرها را می‌توان حول سه محور خلاصه کرد، ترساندن، سزا دادن و بازسازگار کردن (اردبیلی، ۱۳۸۹، ۱۲۸). مجازات‌ها دارای خصوصیتی هستند که می‌توانند از سوی مجرم را آزار دهند و از سوی دیگر او را اصلاح کنند و یا جامعه را متنبه گردانند (نوربها رضا، ۱۳۶۹، ۳۵۲).

یکی از مجازات‌های بسیار متداول در کشورها، حبس می‌باشد. نسبت به استفاده از حبس به عنوان یک مجازات مؤثر، نظرات مختلفی ارائه شده است. در سال‌های اخیر اجماع فزاینده‌ای وجود دارد مبنی بر اینکه حبس (که برای جامعه بسیار پرخرج نیز می‌باشد)، اغلب به عنوان یک وسیله اربابی یا روش اصلاح بی‌تأثیر بوده و شخص زندانی را نیز فاسد می‌کند و مجازاتی نیز به خانواده‌اش تحمیل و حتی ممکن است موجب ارتکاب مجدد جرم گردد. اما از آنجا که ما هنوز جانشین کامل و مناسبی برای آن در مورد جرائم مهم و مجرمین خطرناک نداریم، لذا فعلاً مورد استفاده قرار می‌دهیم.

در کشور ما با توجه به پرونده‌های کیفری و رویه قضایی موجود در مورد جرائم علیه محیط زیست ملاحظه می‌شود که از مجازات حبس بسیار کم استفاده می‌شود. مخصوصاً در مورد جرائمی که علیه محیط زیست از سوی اشخاص حقوقی (مانند کارخانجات و کارگاه‌ها) ارتکاب می‌یابد، بندرت از مجازات حبس استفاده شده است.

از دیرباز زندان به عنوان حربه‌ی مؤثری در مبارزه علیه بزهکاری و بزهکار مورد توجه بوده است. امروزه مجازات حبس با هدف سازگاری بزهکاران رایج‌ترین مجازات‌ها به شمار می‌آید (اردبیلی، ۱۳۸۹، ۱۶۳). جزء مجازات‌های سالب آزادی و یا محدودکننده است. مضاف به اینکه براساس قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مجازات‌های حبس کمتر از ۹۱ روز قابل تبدیل به جزای نقدی می‌باشد.

بحث در مورد مجازات حبس گسترده و وسیع و خارج از گنجایش این مختصر است. در مجموع به نظر می‌رسد استفاده از حبس برای جرائم کوچک علیه محیط زیست و نیز جرائمی که بر اثر مسامحه و بی‌توجهی صورت می‌گیرد مناسب نباشد. شاید استفاده از آن تنها در جرائم مهمی مانند آتش زدن عمدی جنگل‌ها، تخریب و آلوده‌سازی وسیع و عمدی محیط زیست و... قابل توجیه و قبول باشد.

۲-۱-۲- جزای نقدی

جریمه یا جزای نقدی یکی دیگر از مجازات‌هایی می‌باشد که گستردگی آن بیشتر از حبس بوده و در تمامی کشورها متداول می‌باشد. جریمه عبارت از پرداخت اجباری مبلغی پول به عنوان مجازات به خزانه دولت است. از جمله پاسخ‌های دیگری که در زرادخانه کیفری کشورهای گوناگون جهان و نیز ایران یافت می‌شود، جزای نقدی یا جریمه است که درباره آن مطالب گوناگونی بیان شده است و در بیشتر موارد، این پاسخ را بهتر و سودمندتر از پاسخ کیفری حبس دانسته‌اند (پرویز صانعی، ۱۳۷۱، ۲۲۸).

در قوانین و مقررات زیست محیطی گاهی این پاسخ به صورت جداگانه وضع شده است. گاهی نیز همراه با پاسخ‌های کیفری دیگر مورد توجه قرار گرفته است مانند جزای نقدی و حبس و یا جزای نقدی و ممانعت از تردد وسیله نقلیه. این به تشخیص دادگاه می‌باشد که تصمیم بگیرد در هر مورد از حبس یا جزای نقدی و یا اینکه از هر دو نوع مجازات استفاده و مجرم را به تحمل آن محکوم نماید. این مجازات‌ها از زمان‌های گذشته نیز وجود داشته، برای مثال جزای نقدی و جلوگیری از حرکت وسیله نقلیه موتور آلوده کننده، پاسخی بود که در ماده ۲۸ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مورد توجه قانونگذار قرار گرفته بود.

«افرادی که با وسایل نقلیه موتور آلوده کننده غیرمجاز تردد می‌نمایند و همچنین کسانی که محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های موضوع ماده ۷ این قانون را رعایت نمایند به حکم دادگاه صالح به جزای نقدی از پنج هزار ریال تا یکصد هزار ریال بنا بر تعداد سیلندر، حجم موتور، میزان آلودگی و دفعات تکرار جرم محکوم خواهند شد. ضمناً از تردد وسایل نقلیه آلوده کننده مذکور تا رفع موجبات آلودگی جلوگیری به عمل خواهد آمد.»

در مجموع به نظر می‌رسد از آنجا که در جرائم علیه محیط زیست، عمدتاً جنبه‌های سودجویی و استفاده‌ی مالی مورد نظر مرتکبین آن‌ها می‌باشد، لذا مناسب است در جهت مقابله و خنثی‌سازی آن، از مجازات مالی، جریمه نقدی استفاده نمود.

۲-۱-۳- مصادره اموال

یکی دیگر از اقسام مجازات‌های مالی، مصادره اموال می‌باشد. مصادره اموال عبارت از ضبط تمام یا قسمتی از اموال محکوم علیه به نفع دولت است. این مجازات مغایر اصل «شخصی بودن مجازات‌ها» بوده و اگر شامل همه اموال شود، بیش از جریمه موجب اختلال نظم و معیشت خانواده محکومین می‌شود. در مقررات کیفری مربوط به محیط زیست کشور ما، موارد مصادره‌ی اموال، به عنوان مجازات چندان به چشم نمی‌خورد. لیکن در برخی مواد قانونی به مصادره‌ی ابزار و وسایل ارتکاب جرم مانند وسایل صیادی و یا تفنگ و تیر شکاری و... اشاره شده است.

به نظر می‌رسد در جرائم علیه محیط زیست، مصادره‌ی اموال، مجازات مناسبی نباشد. و در صورت انتخاب مجازات‌های مالی، بهتر است از همان جزای نقدی استفاده شود.

۲-۱-۴- تعطیل کردن مؤسسه

تعطیل کردن مؤسسه که یکی از انواع مجازات‌های تکمیلی است، عبارت از بستن مؤسسه‌ای است که در آن و به مناسبت آن، بعضی از جرائم ارتکاب یافته باشد. با توجه به اینکه بسیاری از جرائم مهم علیه محیط زیست از سوی شرکت‌ها و مؤسسات و کارخانه‌ها و کارگاه‌ها صورت می‌گیرد و همراه با قصد سودجویی و صرفه‌جویی در هزینه‌ها می‌باشد، لذا تعطیل نمودن واحدهای آلوده کننده محیط، یکی از ابزار مؤثر و مفید در جهت مقابله با فعالیت‌های مخرب علیه محیط زیست و جلوگیری از آلودگی می‌باشد.

اگر واحدهای آلوده کننده بینند در اثر آلودن محیط زیست، کارگاه آن‌ها تعطیل شده و متحمل خسارات زیادتر می‌شوند، طبیعی است که تلاش خواهند نمود، حداقل در جهت تحقق همان اهداف اصلی خویش یعنی سودجویی و کسب درآمد و یا جلوگیری از ضرر، از آلودن محیط زیست خودداری نمایند. با این استدلال بدیهی است، اگر واحدهای آلوده کننده دریابند که خسارات ناشی از تعطیلی مؤسسه کمتر از سودهای حاصله می‌باشد، ممکن است همچنان به آلودن محیط زیست ادامه دهند. البته این امر در مورد تعطیل کردن موقت مؤسسات صادق می‌باشد.

در مقررات زیست محیطی کشور ما نیز به سازمان حفاظت محیط زیست در موارد بسیاری اجازه داده شده است رأساً یا از طریق مراجع قضایی نسبت به تعطیلی دائم یا موقت واحدهای آلوده کننده محیط اقدام نماید. البته نباید فراموش کرد که به کارگیری این نوع مجازات فقط در مورد اشخاص حقوقی می‌تواند مصداق داشته باشد و در مورد اشخاص حقیقی که مرتکب جرائم زیست محیطی می‌شوند، باید از سایر انواع مجازات‌ها استفاده نمود.

در سال ۱۳۷۸ اداره حفاظت محیط زیست شهرستان کرج به دلیل آلوده کننده بودن واحد آبرکاری گالوانیزه کارخانه-ای در ملارد، از معاونت قضایی دادگستری کرج تقاضا می‌کند که دستور تعطیل شدن این واحد را صادر کند. مقام قضایی یاد شده نیز در تاریخ ۲۰ / ۴ / ۱۳۷۸ به استناد ماده ۱۶ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا و ماده ۹ آیین نامه اجرای جلوگیری از آلودگی آب، مستند به ماده ۱۱ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، دستور تعطیلی این واحد را صادر می‌کند.

نتیجه‌ای که از این تصمیمات قضایی در زمینه تعطیلی و انتقال واحدهای آلوده کننده محیط زیست می‌توان گرفت آن است که اقدامات مراجع قضایی در راستای اعمال این پاسخ در مقایسه با استفاده از بیشتر پاسخ‌های کیفری بهتر و مفیدتر بوده است. از این رو باید سعی شود که برای حفظ محیط زیست از آلودگی بیشتر، از پاسخ‌های کیفری دیگر نیز به شکل مطلوب و مناسب استفاده شود.

۲-۱-۵- اعدام و تبعید

این دو نوع مجازات در مورد آن دسته از جرائم زیست محیطی وضع شده‌اند که قصد مرتکب از ارتکاب جرم نه تنها آسیب رساندن به محیط زیست بلکه مقابله با جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. مثلاً بر طبق لایحه قانونی راجع به متجاوزین به اموال عمومی و مردم اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی مصوب ۲۲ / ۹ / ۱۳۵۸ مجازات اعدام در

تبصره ۳ آن برای کسانی که به طور مسلحانه نسبت به املاک و اراضی موات و ساختمان‌ها و اراضی مزروعی شهری و باغات و قلمستان‌ها و منابع آب و... منابع ملی واقع در محدوده‌ی شهرها و روستاها متعلق به اشخاص حقیقی و حقوقی اعم از دولتی یا خصوصی هرگونه تجاوز و غصب و تصرف عدوانی و مزاحمت و ممانعت از حق نماید، به عنوان اعمال ضد انقلاب مستوجب اعدام می‌باشد.

برابر تبصره ۲ همین لایحه قانونی چنانچه اعمال مذکور بصورت مسلحانه صورت نگیرد مرتکبین به مجازات تبعید به محل دادگاه اصلی یا محلی که دادگاه تعیین می‌نماید محکوم می‌شوند. به موجب ماده ۶۸۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ در صورتیکه حرق و تخریب و آلوده نمودن و سایر اقدامات بر علیه بهداشت عمومی منتهی به قتل یا نقص عضو یا جراحت و صدمه انسانی شود مرتکب علاوه بر مجازات‌های مذکور حسب مورد به قصاص و پرداخت دیه و تأدیه خسارات وارده محکوم خواهد شد (خانی نیگجه، ۱۳۹۰، ۷۱).

نتیجه گیری

آنچه از بررسی اسناد بین المللی خصوصاً کنوانسیون‌های بین المللی و منطقه‌ای مشخص است آن است که رویکرد جامعه بین الملل و حقوق بین الملل، کم تر به پاسخ های کیفری تمایل دارد، اما باید توجه داشت که بر اساس همین اسناد بین المللی، کشورها موظف به حفاظت و بازسازی محیط زیست گردیده‌اند. این مسئولیت به اعتقاد نگارندگان، بدون توسل به ضمانت اجراهای کیفری، تامین و اجرایی نخواهد شد. البته باید توجه داشت که واکنش ها به تخریب محیط زیست نباید محدود به واکنش های کیفری شود زیرا ابعاد و دلایل متعدد تحقق جرایم زیست محیطی، نیاز به تدوین یک سیاست جنایی افتراقی در کنار رویکرد ویژه نظام کیفری را بیش از پیش عیان ساخته است.

انتقادی که به رویکرد بین المللی به حقوق محیط زیست و جرایم زیست محیطی وجود دارد آن است که تدابیر و الزامات ناشی از اسناد بین المللی اساساً فاقد ضمانت اجرا می‌باشند. بر همین اساس به اعتقاد نگارندگان باتوجه به اهمیت روز افزون محیط زیست و نقش آن در تامین حقوق بشر، تشکیل یک دادگاه (دیوان) بین المللی برای برخورد با جرایم زیست محیطی در بعد بین المللی و یا اضافه شدن فصل جدیدی از صلاحیت دیوان بین المللی کیفری مرتبط با جرایم زیست محیطی، می‌تواند رویکرد بین المللی به برخورد با این جرایم را از وضعیت شعارگونه خارج نماید.

در بعد داخلی و بلند مدت تر نیز به نظر می‌رسد قوانین از حالت پراکندگی و عدم انسجام باید به یک پارچگی و وحدت برسد؛ این مهم از طریق تدوین قانون جامعی که مشتمل بر جرایم و مجازاتها با رویکردی آینده نگرانه و با توجه به دغدغه‌های جهانی و ملی کشور میسر خواهد بود. در میان مدت و کوتاه مدت نیز دادگاه اختصاصی سیاست قضایی نیز در این حوزه باید قاطع و با تسامح صفر اجرا شود. اما رویکرد کیفری صرف بدون در نظر گرفتن اقدامات پیشگیرانه و واکنش های متناسب غیر کیفری که برخی از آنها از جمله آموزش همگانی در قانون شکار و صید بیان شده است به شکل کامل موفق و موثر نخواهد بود؛ لذا به نظر می‌رسد جرم انگاری افتراقی جرایم زیست محیطی با استفاده از مجازاتهای متناسب، همچنین تقویت گاردهای حفاظت از محیط زیست و استفاده از قضات دارای تخصص در حوزه محیط زیست و تشکیل دادگاه‌های تخصص در کنار آموزش و اقدامات پیشگیرانه هدفمند در رسیدن به اهداف قوانین زیست محیطی موثر باشد

منابع

کتب

صالحی عارف؛ عادل، «سلسله جلسات بازخوانی شرح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی ۱۳۵۸»، موضوع جلسه پنجاه و چهارم بررسی اصل ۵۰ قانون اساسی، پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۶

اردبیلی محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، بنیاد حقوقی میزان، چاپ بیست و دوم، تابستان ۱۳۸۹

صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، تهران، نشر گنج دانش، ۱۳۷۱

نوربها، رضا، حقوق جزای عمومی، انتشارات کانون وکلای دادگستری، تهران، ۱۳۶۹

باقری زرین قبایی، حسین، ضمانت‌های کیفری زیست محیطی در نظام حقوقی ایران و انگلستان، خرسندی، تهران، ۱۳۹۲

حجار لیب، لیندا، حقوق بشر و محیط زیست، ترجمه رضا امینی، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۹۶

معاونت توسعه مدیریت و امور مجلس (دفتر حقوقی)، مجموعه قوانین و مقررات محیط زیست ایران (۲)، معاهدات و مجامع بین المللی (کنوانسیون بین المللی جلوگیری از آلودگی دریا ناشی از کشتی‌ها)، تهران، مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۵

مقالات:

پورکاظمی، محمد؛ منابع زنده دریای خزر و کنوانسیون محیط زیست، مطالعات اوراسیای مرکزی، ش ۱، ۱۳۸۷

سلیمی ترکمانی، حجت؛ بررسی مشکل زیست محیطی دریاچه ارومیه از منظر حقوق بین الملل محیط زیست، راهبرد، ش ۵۸، ۱۳۹۰

دارابی نیا، مرتضی، نجفی اسفاد، مرتضی، بررسی عملکرد کنوانسیون منطقه‌ای کویت بر محیط زیست دریایی خلیج فارس، مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران، شماره پیاپی ۹۶، ۱۳۹۲

دبیری فرهاد، آزادبخت بیبا، بررسی مکانیسم‌های اجرایی معاهده CITES در نظام حقوقی ایران با هدف حفاظت از گونه‌های در معرض خطر انقراض، علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره ۱۲، ش ۴ (مسلسل ۴۷)، ۱۳۸۹

رضائی، علی؛ جلالیان، عسکر؛ نفوذ بیانیه استکهلم ۱۹۷۲ در روند آموزش و نهادینه شدن اصول و مفاهیم حاکم بر محیط زیست در حوزه حقوق بین الملل، آموزش محیط زیست و توسعه پایدار، ش ۱۴، ۱۳۹۶

حشمتی، امین، «بررسی قوانین کیفری زیست محیطی و تاثیر در حفاظت از محیط زیست»، مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، شماره ۱، ۱۳۹۶

کرم زاده، سیامک، کنوانسیون تنوع زیستی و حقوق مالکیت فکری: مطالعه‌ای در توسعه پایدار، مجلس و پژوهش، سال دهم، ش ۳۸، ۱۳۸۲

مولایی، یوسف، «نسل سوم حقوق بشر و حق به محیط زیست سالم»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۴، ۱۳۸۶

معصومی، مسعود، لطفی، اسدالله، «بررسی فقهی - حقوقی جایگاه آبها در اموال عمومی»، فصلنامه پژوهشهای فقهی، دوره ۱۳، شماره ۱، ۱۳۸۶

اصلی پور، حسین، شریف زاده، فتاح، «راهبرد سیاست گذاری زیست محیطی کشور در بستر نظریات متعارف تصمیم‌گیری عمومی»، فصلنامه مجلس و راهبرد، شماره ۸۳، ۱۳۹۴

مبینی دهکردی، علی، مرادی قاسم آبادی، فرج الله، «سند چشم انداز ۲۰ ساله کشور از منظر مکاتب فکری مدیریت راهبردی»، فصلنامه مطالعات دفاعی، استراتژیک، شماره ۴۱، ۱۳۸۹

رضائی قوام آبادی، محمد حسین، «حمایت کیفری از گونه‌های جانوری در ایران»، مجله علوم محیطی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲، ۱۳۸۸

مومنی راد، احمد؛ شهاب الدین، علی؛ عزیزی، ناصر، حمایت از تنوع زیستی و دانش سنتی در نظام جهانی مالکیت فکری، مجله حقوق بین الملل، ش ۴۹، ۱۳۹۲

قوانین و مقررات

مستجاب الدعواتی، مهرداد و سلیمانی، مصطفی، (۱۳۸۷)، «مجموعه قوانین و مقررات حفاظت از محیط زیست، اداره کل تدوین و تنقیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری»، معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور، ۱۳۸۷

پایان نامه

خانی نیگجه ملیحه، ۱۳۹۰، نفع و ذینفع در حقوق کیفری محیط زیست ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی